



نقش آموزش همگانی پلیس در پیشگیری از جرم

نجیبه بهزادی^۱، سید مهدی احمدی موسوی^۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۰۴/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۱۶

چکیده

امروزه، نقش و اهمیت آموزش همگانی برای ایجاد امنیت فردی و عمومی در سطح جامعه به خوبی درک شده است و از جمله راه حل‌ها یا راهکارهایی است که به نظر می‌رسد نقش بسیار مهم و اساسی را در پیشگیری از وقوع جرم در جامعه به خود اختصاص داده است، پیشگیری از وقوع جرایم یکی آرمان‌های تمام جوامع بشری است و رشد روز افزون و پیچیدگی‌های خاص جرایم و پائین آمدن سن ارتکاب جرم از عواملی است که بر اهمیت و ضرورت توجه بیشتر به پیشگیری از جرم و امر آموزش توسط نهادهای مختلف می‌افزاید. دستگاه‌های اجرایی ذیربط در حوزه آموزش‌های پیشگیری از جرایم از جمله پلیس، مکلفند در جهت کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی و آموزش همگانی در زمینه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی اقداماتی را انجام دهند.

روش به کار رفته توصیفی - تحلیلی بوده و نگارنده در انتهای پژوهش به نتایجی دست خواهد یافت از جمله اینکه؛ اغلب جرایم ریشه در نا آگاهی مردم دارند که با اطلاع رسانی صحیح و به موقع می‌توان از بروز آن در جامعه جلوگیری کرد و همچنین در خصوص پیشگیری از جرم نهادهای متعددی از جمله پلیس می‌توانند با استفاده از آموزش همگانی موثر واقع شوند.

واژگان کلیدی: آموزش همگانی، پلیس، پیشگیری، پیشگیری از جرم



۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، (نویسنده مسئول)، ۰۹۱۳۳۴۸۹۶۲۱، najibe.behzadi@gmail.com

۲- دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، ۰۹۱۳۳۹۸۲۶۴۰



مقدمه و بیان مسئله

تمامی کشورها جرم، بزه دیدگی و خشونت را تجربه می‌کنند و به دنبال ایجاد ثبات و امنیت برای شهروندان خود و بالا بردن کیفیت زندگی برای ایشان هستند. توسعه روز افزون و تخصصی شدن شاخه‌های مختلف علوم و تحولات عظیم از جمله مسائل انکارناپذیر قرن حاضر است. از نمونه‌های تخصصی شدن علم می‌توان به پیشرفت چشمگیر علم جرم‌شناسی به ویژه پیشگیری از جرم اشاره کرد. پیشگیری از جرم شامل مجموعه تدابیر و راهکارهایی است که قوای حاکم بر جامعه از راه قانون برای مهار جرم به کار می‌گیرند. تدابیر پیشگرانه عموماً بر دو محور اجرا می‌شوند. محور اول با حذف و یا کاهش فرصت‌ها و یا موقعیت‌های ارتکاب جرم است که بزه دیدگان احتمالی را از خطر بزه دیدگی مصون نگه داشته و از این راه سعی در پیشگیری از جرم دارد که این نوع پیشگیری از جرم را در اصطلاح پیشگیری وضعی می‌گویند و اما در حالت دوم، کارشناسان به ریشه‌های جرم (علل جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و....) پرداخته و در صدد بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... هستند این نوع پیشگیری را پیشگیری اجتماعی نامیده‌اند، پیشگیری مقدم از درمان است و این ضرب‌المثل متبادر به ذهن می‌شود که علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد بایستی جایگاه پیشگیری از وقوع جرم را قبل از رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات و تعدیات، شکایات و حل و فصل خصومات قرار داد زیرا ارتکاب جرم آثار و تبعات زیان‌باری هم بر شخص مجرم و هم بر اعضای جامعه وارد می‌کند که به هیچ وجه نمی‌توان مجرم و جامعه را به جایگاه قبل از وقوع جرم بازگرداند. مناطق مختلف جهان همواره با چالش‌های متفاوت جرم و بزه دیدگی مواجه‌اند و یک برنامه واحد پیشگیری در تمام مناطق جهان قابل اجرا نخواهد بود. بنابراین بومی‌سازی برنامه‌های پیشگیری از جرم امری ضروری است زیرا این کشورها و حکومت‌های آن‌ها است که جرم و عناصر آن و مجازات‌های آن‌ها را تعیین می‌نمایند. با توجه به افزایش میزان جرم و بزه‌دیدگی در مناطق شهری، رهنمود همکاری و کمک‌های فنی در خصوص پیشگیری از جرایم شهری توجه خود را به نحوه طراحی و اجرای برنامه‌های پیشگیری در مناطق شهری معطوف ساخته است. با استفاده از همین موارد می‌توان به اهمیت و نقش آموزش‌های همگانی در ابعاد و نهادهای مختلف به طریق مختلف پی‌برد، اولین مفهوم در خصوص این پژوهش آموزش می‌باشد که اگر در هر جامعه‌ای متوقف گردد پس زندگی نیز متوقف می‌گردد زیرا یکی از رمزهای با اهمیت اجتماعی است که تمامی جوامع برای تداوم و استمرار خویش به آن احتیاج دارند. آموزش همگانی با ارتقای سطح دانش و آگاهی مهارت‌های فنی، موجب بروز رفتار مطلوب به منظور



کاهش فرصت‌های مجرمانه در شهروندان می‌شود. (خمسه‌ای، ۱۳۸۲: ۲۰).

در بین انواع پیشگیری همان گونه که مباحث جدید پلیسی، نظیر پلیس جامعه محور نیز بر آن متمرکز شده است، پیشگیری اجتماعی اهمیتی ویژه دارد. در پیشگیری اجتماعی که در قیاس با سایر انواع پیشگیری واژه تازه تری است، نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدارس، رسانه‌ها و جز آن، تلاش می‌کنند که از بزه‌دیدگی افراد جامعه، به ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان جلوگیری کنند و فرصت‌های ارتکاب جرم را تا حد امکان کاهش دهند. در این نوع پیشگیری، مسئولیت پلیس که وظیفه حفظ امنیت و آرامش شهروندان را بر عهده دارد پررنگ‌تر و جدی‌تر است. چنانچه جوانان و نوجوانان، همچون سرمایه‌های انسانی در مسیر آموزش صحیح قرار گیرند، می‌توانند به پیشگیری اجتماعی و کاهش جرایم و بزهکاری بسیار کمک کنند. هر نقش اجتماعی با توجه به عرف، سنت‌ها، عقاید، رفتارها و نیازهای اجتماعی شکل می‌گیرد. نقش پلیس نیز بر همین اساس شکل گرفته و البته ویژگی نظامندی و سازماندهی بدان افزوده شده است. پلیس به حکم وظیفه خود امر جلوگیری از ارتکاب جرایم، دستگیری مجرمان، جلوگیری از امحای آثار جرم و حمایت‌های مقدماتی از بزه دیدگان را بر عهده دارد. اقدامات این ارگان بیشتر جنبه فیزیکی و محسوس دارد و سالهاست که مردم با وظایف و نحوه فعالیت آن خو گرفته اند. پلیس سازمان امنیتی - انتظامی است که در تمام کشورها از جمله وظیفه پیشگیری از جرایم را بر عهده دارد و اولین نماینده عدالت کیفری است که با شهروندان در ارتباط می‌باشد. امروزه برخی از کشورها مانند فرانسه و کانادا با وجود آمار بالای جرم و جنایت همچنان سعی می‌کنند پیشگیری و مبارزه با جرم را در اولویت کار پلیس قرار بدهند، زیرا پیشگیری به مراتب هزینه کمتری خواهد داشت. در کشور ما نیز پلیس به عنوان فعال‌ترین نیروی پیشگیری و مقابله با جرم شناخته می‌شود و تردیدی وجود ندارد که پلیس به عنوان نوک پیکان مقابله و مبارزه با جرم تلقی می‌شود، چراکه وقتی قانونی وضع می‌شود تا به مرحله اجرا برسد، عملاً قدرت اجرایی قانون را در عملکرد پلیس می‌بینیم. (جدی فرد پيله رود، ۱۳۹۱: ۷۶).

مفاهیم تحقیق

آموزش: مجموعه‌ای از رویدادهای «به عمد ترتیب داده شده» که برای حمایت از فرایندهای درونی یادگیری، طراحی شده است. (گانیه، آرام و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۱)

آموزش: عبارت از فعالیت‌هایی است که به منظور ایجاد یادگیری در یادگیرنده، از



جانب آموزگار یا معلم طرح ریزی می‌شود و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده، به کنش متقابل جریان می‌یابد و همچنین به هر گونه فعالیت یا تدبیر از پیش طراحی شده‌ای گفته می‌شود که هدف آن ایجاد یادگیری در یادگیرندگان است (سیف، ۱۳۸۶: ۱۵۰).

مفهوم آموزش همگانی ناجا: آموزش همگانی، عبارت است از مجموعه فعالیت‌هایی که به منظور یادگیری برخی از فعالیت‌های مشخص (دانش انتظامی و اجتماعی) با هدایت کارکنان معاونت اجتماعی ناجا، برای کلیه افراد جامعه انجام می‌شود. آموزش همگانی با ارتقای سطح دانش و آگاهی مهارت‌های فنی، موجب بروز رفتار مطلوب به منظور کاهش فرصت‌های مجرمانه در شهروندان می‌شود (خمسه‌ای، ۱۳۸۲: ۲۰).

پلیس: کلمه پلیس را واژه‌ای یونانی و مشتق از ریشه پلیتیا^۱ و پلی تیکا^۲ به معنی حکومت و مدیریت می‌دانند. (سیفی قمی، ۱۳۶۲: ۱۶). در طول زمان، این واژه در مفاهیم مختلف به کار برده شده است. به عنوان مثال در فرانسه، سه مفهوم متفاوت برای کلمه پلیس ذکر شده است. مفهوم اول که مفهومی وسیع و در بر گیرنده ی کلیه رشته‌های حقوق است، عبارت از مجموعه مقرراتی است که به وسیله مقامات عمومی وضع و بر افراد جامعه تحمیل می‌شود. مفهوم دوم که محدودتر است، شامل وضع و اجرای مقررات مربوط به تأمین آسایش، امنیت و بهداشت عمومی است. مفهوم سوم پلیس که کاربرد وسیع تری پیدا کرده، به معنی سازمانی است که کارکنان آن وظیفه اجرای مقررات مربوط به آرامش و امنیت و بهداشت عمومی را بر عهده دارند.

با توجه به گستردگی مفهوم واژه پلیس، در کشورهای گوناگون تعاریف متنوعی از پلیس بیان شده است. ماکس وبر جامعه شناس مشهور آلمانی پلیس را جلوه قدرت مشروع و عقلانیت ابزاری دیوان سالاری دولت برای استقرار نظم و امنیت در جامعه می‌داند. در جامعه امریکا، پلیس به عنوان سازمانی شناخته شده که به منظور برقراری نظم و امنیت، جلوگیری از وقوع جرم، کشف جرم، دستگیری مجرمین و اجرای مجازات ایجاد شده است (شاکری، ۱۳۸۱: ۲۴). فرانسویان پلیس را سازمانی می‌دانند که مأموریتش حمایت از قانون اساسی، جلوگیری از جرم و حفظ جان و مال اشخاص است در ایتالیا، پلیس را به عنوان سازمان مسئول حفظ نظم جامعه، حمایت از امنیت مالی و جانی شهروندان، الزام شهروندان به رعایت قانون و امداد رسانی در حوادث و بلایای عمومی می‌شناسند. در ایران نیز واژه ی پلیس در مورد سازمان‌های شهربانی و ژاندارمری





سابق استفاده شده و با ادغام سازمان‌های سابق و تشکیل نیروی انتظامی، این لفظ در مورد سازمان اخیرالذکر به کار برده می‌شود با توجه به تشکیلات جدید پلیس در ایران، تعریف زیر از پلیس قابل ارائه است، نیروی انتظامی سازمانی است مسلح که در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور بوده و هدف از تشکیل آن استقرار نظم و امنیت و تامین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است (این تعریف از مواد ۲ و ۳ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷ اقتباس شده است).

پیش‌گیری: در لغت به معنای جلوگیری، دفع، منع سرایت مرض از پیش، تقدم به حفظ، صیانت، حفظ صحت، جلوگیری از وقوع مرض است. (معین، ۱۳۶۰: ۹۳۳).

از نظر ریشه‌شناسی، کلمه پیش‌گیری دارای دو بعد است: ۱- به معنی «پیش‌دستی کردن، پیشی گرفتن و به جلوی چیزی رفتن» و ۲- به معنی «آگاه کردن، خبر چیزی را دادن و هشدار دادن» است. اما در جرم‌شناسی پیش‌گیرانه، پیش‌گیری در معنی نخست آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، یعنی با استفاده از فنون مختلف از وقوع بزهکاری جلوگیری کردن است و هدف از آن، به جلوی جرم رفتن و پیشی گرفتن از بزهکاری است.

مفهوم اصطلاحی پیشگیری: در مفهوم پیشگیری و مصداق‌های آن دو جهت‌گیری کلی دیده می‌شود. برخی از جرم‌شناسان مفهوم وسیعی برای پیشگیری قائل شده و گروهی دیگر پیشگیری را در مفهوم محدود و مضیق به کار می‌برند. هر یک از این دو را به طور مختصر توضیح می‌دهیم:

مطابق مفهوم موسع، انجام هر اقدامی که علیه جرم بوده و آن را کاهش دهد، پیشگیری محسوب می‌شود. براساس این برداشت انواع تدابیر کیفری و غیرکیفری چه مربوط به قبل و چه مربوط به بعد از وقوع جرم، پیشگیری محسوب می‌شوند. به همین دلیل در این تعبیر، حتی تعقیب و دستگیری بزهکاران، اعمال مجازات یا تعلیق اجرای آن، الزام آنان به جبران خسارت مجنی علیه و فردی کردن مجازات توسط قاضی نیز، پیشگیری به شمار می‌آیند؛ لذا این مفهوم طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیر کیفری را دربر می‌گیرد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۳: ۷۳۷). اما در مفهوم مضیق؛ پیشگیری به مجموعه وسایل و

ابزارهایی اطلاق می‌شود که جامعه برای مهار بهتر بزهکاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا یا از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیط فیزیکی و محیط اجتماعی موجد فرصت‌های جرم، مورد استفاده قرار می‌دهد. به عبارتی دیگر در این رویکرد پیشگیری از کیفر جدا شده است و صرفاً ناظر به تدابیر و اقدامات غیر





قهرآمیز است (همان: ۷۴۰).

مفهوم پیشگیری از جرم: این اصطلاح از دو واژه پیشگیری و جرم تشکیل شده است. جرم تعریف شناخته شده و معروفی دارد که بر هر فعل یا ترک فعلی که قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی، تنبیهی و تربیتی در نظر گرفته باشد اطلاق می‌شود. در ماده یک قانون پیشگیری از جرم مصوب ۷ شهریور ۹۴، پیشگیری از وقوع جرم عبارت از «پیش بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن» تعریف شده است. در تعریفی که توسط مرکز پیشگیری از جرم در استانفورد انگلستان ارائه شده، پیشگیری از جرم به نحو زیر تعریف شده است: پیشگیری از جرم پیش‌بینی، شناسایی و برآورد خطر جرم و ابداع اقداماتی برای از بین بردن یا کاهش آن است.

پیشینه تحقیق

در خصوص پیشگیری از جرم و نقش آموزش همگانی پلیس در آن می‌توان به کتب، مقالات و مجلات مختلف و مرتبطی اشاره کرد که از آن جمله می‌توان به:

- مقاله‌ی نقش آموزش همگانی در پیشگیری از جرم نوشته آقایان علی بابائیان، ذبیح الله کرمی و سعید کفراشی چاپ شده در فصلنامه مطالعات پیشگیری از وقوع جرم سال ۷، شماره ۲۴، پاییز ۹۱ اشاره کرد که حاوی نتایجی به قرار ذیل است: آموزش همگانی در ایجاد امنیت فردی و اجتماعی نقش تعیین کننده‌ای دارد از جمله مهم‌ترین نقش‌های آموزش همگانی پیشگیری از وقوع جرائم و تخلفات اجتماعی، جلب اعتماد و مشارکت همگانی، ارتقای سطح رفتارهای انتظامی و... می‌توان اشاره کرد و برای استفاده از مشارکت حداکثری مردم در برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی باید راهکارهای نهادینه کردن رویکرد جامعه محوری پلیس شناسایی و در قالب یک استراتژی و برنامه مدون این تدابیر و راهکارها به مرحله‌ی اجرا گذاشته شوند. همچنین اینکه یکی از رویکردهای پلیس در دهه‌های اخیر که در تمام جهان گسترش یافته و ابعاد مختلفی پیدا کرده است همکاری در بخش اجتماعی و فرهنگی است که منطبق با رویکرد جامعه محوری پلیس است و آموزش همگانی باید عموم افراد جامعه را شامل شود و به افزایش سطح آگاهی‌های جامعه منجر شود، در ضمن باید ویژگی سازمان یافتگی، هدف‌مندی و رضایت‌مندی فراگیران را نیز داشته باشد (بابائیان و دیگران، ۱۳۹۱).

- هم‌چنین در رابطه می‌توان به کتاب پیشگیری از وقوع جرم و نقش سازمان‌های





مسئول در قوانین ایران نوشته‌ی حمید ایرانشاهی انتشارات جاودانه جنگل، ش، ۱۳۸۹ اشاره کرد که این موارد از آن منتج می‌شود:

در جلوگیری از وقوع جرم و اعمال سیاست‌های پیشگیرانه با توجه به ابعاد گسترده و تأثیرات آن بر تمام جامعه نیاز به همکاری و مشارکت تمام ارگان‌ها و دستگاه‌های دولتی و خصوصی و حتی تمام افراد و اعضای جامعه احساس می‌شود لذا قانونگذار دستگاه‌های اجرایی را مکلف به همکاری با قوه قضائیه نموده است. از میان دستگاه‌های مرتبط با امر پیشگیری با توجه به اهمیت نیروی انتظامی وظایف حساس‌تری دارد زیرا ابزار اصلی وضابط عام دادگستری در مقام پیشگیری عملی از وقوع جرم در جامعه به شمار می‌رود و اینکه نیروی انتظامی به تنهایی نمی‌تواند روند جرم و بی‌نظمی را مهار کند آن‌ها برای پیشگیری از جرم و حل مشکلات محلی نیاز به همکاری و کمک گروه‌های اجتماعی و انجمن‌ها دارند (ایرانشاهی، ۱۳۸۹).

- علاوه بر موارد ذکر شده در خصوص پیشینه می‌توان به مقاله‌ی نقش نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی در پیشگیری از وقوع جرم نوشته‌ی آقایان حسین قربانیان و مجید هراتیان نژادی اشاره کرد که نتایج ذیل را از آن می‌توان استنباط کرد:

- دانشگاه‌ها و مراکز علمی و فرهنگی می‌توانند با برنامه‌ریزی صحیح در پیشگیری از جرم در جامعه سهیم باشند و زمینه‌ی پیشگیری از وقوع جرم را فراهم کنند و بالا بردن سطح ایمان و اعتقادات مذهبی موثرترین عامل و کم هزینه‌ترین راه برای رسیدن به امنیت و توسعه‌ی همه جانبه است که باید از طریق حاکم سازی دین و ارزش‌های دینی در دانشگاه‌ها آن را بر همه‌ی امور و در کاهش وقوع جرائم موثر و مفید دانست. همچنین اینکه سازمان‌های غیردولتی که مهم‌ترین نهاد مدنی هستند و مشارکت‌های مردمی را می‌توانند ساماندهی کنند نقش سازمان‌های غیردولتی در آموزش و کارکرد آموزشی پیشگیری از وقوع جرم کارکردی نظارتی است.

مبانی نظری تحقیق

به‌طور یقین انسان از هر عملی دنبال هدفی می‌رود و این هدف‌ها، آرزوها و خواست‌ها است که به انسان حرکت داده و او را وادار به تکاپوی فکری و جسمانی می‌نماید. «هدف‌های آموزشی» تصمیم‌گیری درباره روش‌های مناسب بافعالیت فراگیران و نیازهای مربوط به تغییر رفتار، کمک نموده و ضمن اینکه آنچه را که از آموزش دهنده و آموزش گیرنده انتظار داریم روشن می‌کند، می‌تواند به عنوان مبنایی برای ارزیابی



برنامه‌های آموزشی پس از اجرای آن‌ها قرار گیرد. میثاق‌های بین المللی در زمینه‌های حقوق بشر، حقوق کودکان و یا آموزش همگی حق طبیعی انسان‌ها در برخورداری از آموزش را مورد تاکید قرار می‌دهند. رعایت حقوق بشر مستلزم آشنایی با مفاهیم انتزاعی و همچنین مکانیزم‌های تضمینی است؛ لذا نحوه آموختن و آموزش دادن این مفاهیم و اسناد بنیادین مربوط به آن از اهمیت خاص برخوردار است، این آشنایی نه طبیعی است و نه خودجوش و آنی و به مانند هر دانش دیگر باید به نحوی پویا انتقال یابد. در نتیجه لازم است زمینه و امکان آموزش حقوق بشر برای همه ایجاد گردد، آموزش حقی است که توسط دولت تضمین گردیده است.

آموزش همگانی در پرتو مبانی نظری پیشگیری

مطالعه تاریخ حقوق کیفری نشان می‌دهد که اندیشه پیش گیری از جرم و اصلاح مجرمین در نظامات حقوق کیفری همواره مطمح نظر بوده است، زیرا از دیدگاه حقوق کیفری، بزهکار کسی است که بر اثر ارتکاب جرم مستحق مجازات است نمودی از واکنش اجتماعی فایده نگر است که از طریق مبارزه سرکوبگرانه و به هدف پیش گیری از جرم بر مجرم تحمیل می‌گردد. بدین معنی که ایجاد ترس ناشی از اعمال مجازات بر مجرم نه تنها او را از اندیشه‌های مجرمانه بعدی منصرف می‌کند، بلکه با اجرای کیفر درباره محکوم علیه به سایر افرادی که بالقوه اندیشه ارتکاب جرم را در سر می‌پروراند درس عبرتی می‌دهد تا از ارتکاب جرم خودداری کنند. بدین ترتیب کیفر عامل پیش گیری کننده از جرم محسوب می‌گردد. بر اساس این بینش اقدام قانونگذار در تشدید مجازات نیز همواره به عنوان یک عامل پیش گیری کننده مورد توجه بوده است. اما با گذشت زمان دامنه مداخله حقوق کیفری از طریق اعمال مجازات به هدف پیش گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین در جامعه به علل مختلفی از قبیل افزایش بی رویه آمار جرائم و کثرت عناوین و احصاء جرائم در مجموعه قوانین کیفری به ویژه در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و بعضاً نیز به دلیل غیر قابل اجراء بودن برخی از احکام کیفری صادره از دادگاه‌ها، و در مجموع به علت ناکارآمدی این گونه سیاست جنائی در مبارزه ریشه‌ای با بزهکاری، موجب پیدایش جنبش‌های علمی و پدید آمدن رویکردهای جدید جرم‌شناسی کاربردی برای مبارزه با بزهکاری و انجام اقدامات پیش‌گیرانه غیر کیفری برای خشکانیدن ریشه‌های جرائم و بهره‌گیری از یافته‌های جرم‌شناسی شده است. بدین ترتیب تحقیقات علمی و دست آوردهای جرم‌شناسی در یک سده اخیر،





ضرورت ایجاد تدابیر پیش گیرانه قبل از وقوع جرم را برای کنترل بزهکاری به عنوان یکی از ابزارهای سیاست جنایی در عصر ما مطرح و آشکار ساخته است. (فرزین راد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱).

پذیرش اصل برتری پیشگیری بر درمان، سیاست‌های قضایی و کیفری را بر این داشته است تا با گزینش شیوه‌های کارآمد افراد را از ارتکاب بزه باز دارند و با کاهش نرخ تکرار جرم، جمعیت کیفری را محدود کند. به طور کلی، جامعه به دو صورت پیشگیری و سرکوبی از خود در برابر بزهکاری، واکنش نشان می‌دهد. پیشگیری که برخلاف سرکوبی از خصیصه غیر قهرآمیز بودن برخوردار است، یعنی جلوگیری از تبدیلِ اندیشه مجرمانه به عمل، یا دشوار کردن ارتکاب آن تا اینکه هم شهروندان بهتر حمایت شوند و هم اینکه دولت، کمتر در امر سرکوبی و مجازات سرمایه‌گذاری کند.

روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی بوده که با مطالعه‌ی منابع اصلی و فرعی ذیل تحصیل و به نتیجه می‌رسد:

- مراجعه به کتابخانه‌های معتبر کشور از جمله کتابخانه‌ی ملی
- مراجعه به نهادهای فعال در زمینه پیشگیری از جرم
- مراجعه به سایت‌های علمی معتبر
- استفاده از پژوهش‌ها و طرح‌های انجام شده در این زمینه

جلوه‌های نقش و تأثیر آموزش همگانی در فرآیند پیشگیری

در جوامع در حال توسعه، حفظ و توسعه سرمایه انسانی مهم‌تر از سرمایه طبیعی و مادی است. بی شک سرمایه انسانی در شرایطی حفظ و موجب رشد و توسعه اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جوامع می‌شود که پدیده بزهکاری و جرم آن را تهدید نکند، بنابراین برای تحقق سرمایه انسانی و حفظ آن، یکی از مهم‌ترین اقداماتی که دولت‌ها باید در برنامه‌های کلان خود لحاظ کند، مهار بزهکاری و جرم است، یکی از راهبردهای اساسی در حوزه کنترل اجتماعی پیشگیری است. راهبردی متشکل از راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم که با هدف ایجاد امکانات و موقعیت‌های بازدارنده از جرم مطرح می‌شود. تجربه دراز مدت نظام‌های جزایی حاکی از آنند که پیشگیری، کاهشی قابل توجه را در نیروها و هزینه‌های مورد نیاز در کنترل اجتماعی در پی دارد.





تدوین سیاست‌های غیرکفتری پیشگیری در سه مرحله پیش، حین و پس از وقوع جرم مطرح است. در هر سه مرحله، پلیس دارای نقش اساسی و محوری است. همچنین پلیس از طریق برنامه‌های پیشگیری از بزهکاری علاوه بر کاهش جرایم، درصد کاهش ترس از جرم و بزه دیده شدن و تعدیل احساس ناامنی شهروندان نیز می‌باشد. طبق نظریه گانیه آموزش یک اقدام انسانی است با هدف کمک کردن به افراد برای اینکه یاد بگیرند. اگرچه بعضی اوقات یادگیری می‌تواند بدون آموزش صورت گیرد اما اثرات آموزش بر یادگیری غالباً سودمند و قابل مشاهده است. نقش آموزش و اطلاع رسانی آگاهی‌افزایی‌های عمومی در پیشگیری از وقوع جرم بسیار مهم است. فرهنگ‌سازی و آموزش نقش اساسی در پیشگیری از وقوع جرم دارد. اغلب جرایم ریشه در نا آگاهی مردم دارند که با اطلاع رسانی صحیح و به موقع می‌توان از بروز آن در جامعه جلوگیری کرد. بدون شک اطلاع رسانی و ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی شهروندان می‌تواند در پیشگیری از وقوع جرم و کاهش آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی موثر باشد. بر همین اساس مراقبت‌ها و صیانت از اموال و جان خود و اطرافیان را افزایش می‌دهند. بنابراین ضروری است سیاست‌های مدون اطلاع رسانی و آگاهی‌افزایی تعبیه گردد و حدود و نقش و وظیفه هر کدام از دستگاه‌ها در پیشگیری از جرایم و مبارزه با آن مشخص شود و باید به الگودهی اطلاع رسانی امنیت گستر توجه بیشتری شود تا با اطلاع رسانی سطح آگاهی‌های عمومی پیشگیرانه افزایش یابد. به همین خاطر باید مردم با حقوق و تکالیف خود آشنا شوند.

تأثیراتی که طرح‌های اطلاع رسانی و آموزشی می‌توانند در مقوله جرم‌زدایی داشته باشند حائز اهمیت است و می‌توان ادعا کرد که بیشترین تأثیر را دارند. اگر در پیشگیری از وقوع جرم کوشش و تلاش مضاعف به عمل نیاید این امکان وجود دارد که انحراف در جامعه ریشه‌دار شده و توسعه پیدا کند که بعدها نتوان به آسانی آن را مهار کرد. از آنجایی که طبیعت آدمی خوپذیر و پندپذیر است و هیچ انسانی ذاتاً و فطرتاً منحرف آفریده نمی‌شود، فلذا تربیت‌پذیری انسان بسیاری از وقایع و مسائل را حل نموده و راه پیشگیری از وقوع جرم را آسان و امور مربوط به مسئولان و مورد انتظار جامعه را محقق خواهد ساخت، زیرا مجرمان و منحرفان جامعه همچون بیمارانی می‌باشند که مبتلا می‌شوند و قابل درمان هستند، اما این امر بایستی با روشی کارشناسانه، مدبرانه و توسط اندیشمندان، حقوقدانان برجسته، روانشناسان و کارشناسان خبره و تجارب آن‌ها ارائه شود. بنابراین موضوع «آموزش همگانی» افراد جامعه در ایجاد امنیت فردی و اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و از جمله راه حل‌ها یا راهکارهایی است که به



نظرمی‌رسد نقش بسیار مهم و اساسی را در فرایند پیشگیری از وقوع جرم در جامعه به خود اختصاص می‌دهد.

چگونگی ایفای نقش پیشگیرانه آموزش همگانی در پرتو کارکردهای نهاد پلیس

واژه پلیس در قوانین و مقررات و نیز در افکار عمومی به طور کلی با مفهوم سرکوبی جرم و مجازات همراه بوده است، اما از آغاز سال‌های دهه هفتاد میلادی، با پذیرش نهاد پیشگیری به عنوان قلمرو جدید سیاست کیفری در کنار قلمرو سنتی آن یعنی سرکوبی، بینش نوینی از مأموریت پلیس در جامعه مطرح شد.

در بین انواع پیشگیری همان گونه که مباحث جدید پلیسی، نظیر پلیس جامعه‌محور نیز بر آن متمرکز شده است، پیشگیری اجتماعی اهمیتی ویژه دارد. در پیشگیری اجتماعی که در قیاس با سایر انواع پیشگیری واژه تازه تری است، نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدارس، رسانه‌ها و جز آن، تلاش می‌کنند که از بزه دیدگی افراد جامعه، به ویژه کودکان، نوجوانان و جوانان جلوگیری کنند و فرصت‌های ارتکاب جرم را تا حد امکان کاهش دهند. در این نوع پیشگیری، مسئولیت پلیس که وظیفه حفظ امنیت و آرامش شهروندان را بر عهده دارد پررنگ‌تر و جدی‌تر است. چنانچه جوانان و نوجوانان، همچون سرمایه‌های انسانی در مسیر آموزش صحیح قرار گیرند، می‌توانند به پیشگیری اجتماعی و کاهش جرایم و بزهکاری بسیار کمک کنند. نسل جوان جامعه اسلامی ایران، تعلیم دهنده نسل‌های بعد به شمار می‌روند، به لحاظ نوع جنسیت و خطرهای تهدیدکننده آن، شرایط سنی، تأثیرات محیطی و غیره، بیشتر نیازمند توجه‌اند و به طور یقین اگر نسل جوان فردای کشور با تعلیم نادرست و سوءبرداشت از شرایط نامطلوب فرهنگی و اجتماعی روبه‌رو باشند، نسل‌های بعدی با بحران و خطر مواجه خواهند شد و این مساوی است با افزایش بزه و جرم در کشور و ناتوانی در کنترل آن، بنابراین توجه به آموزش و برنامه‌ریزی مطلوب برای آنان به همت کلیه نهادهای اجتماعی ضروری است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷)

هر نقش اجتماعی با توجه به عرف، سنت‌ها، عقاید، رفتارها و نیازهای اجتماعی شکل می‌گیرد. نقش پلیس نیز بر همین اساس شکل گرفته و البته ویژگی نظامندی و سازماندهی بدان افزوده شده است. پلیس به حکم وظیفه خود امر جلوگیری از ارتکاب جرایم، دستگیری مجرمان، جلوگیری از امحای آثار جرم و حمایت‌های مقدماتی از بزه دیدگان را بر عهده دارد. اقدامات این ارگان بیشتر جنبه فیزیکی و محسوس دارد و





سال‌هاست که مردم با وظایف و نحوه فعالیت آن خو گرفته‌اند. پلیس سازمان امنیتی - انتظامی است که در تمام کشورها از جمله وظیفه پیشگیری از جرایم را بر عهده دارد و اولین نماینده عدالت کیفری است که با شهروندان در ارتباط می‌باشد. به همین دلیل نوع برخورد پلیس با مردم در شکل‌گیری طرز تلقی صحیح یا اشتباه از نظام امنیت شهری واجد اهمیت سیاسی است.

اعضای پلیس افراد آموزش دیده و ورزیده‌ای هستند که پیشگیری از جرایم می‌نمایند و در مقام وظایف پلیس اقدامات زیر را انجام می‌دهد که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در پیشگیری از جرایم مؤثر است:

حمایت از بزه دیدگان بالقوه جرایم، ایجاد احساس امنیت عمومی از طریق حضور در سطح شهر و اماکنی که احتمال وقوع جرم در آن وجود دارد، دریافت گزارش‌هایی راجع به ارتکاب یا احتمال ارتکاب جرایم، حضور در صحنه‌های جرم یا محتمل به بزهکاری، ارائه خدمات مشاوره و راهنمایی به شهروندان در زمینه‌های امنیتی و پیشگیری از جرایم، ارائه برنامه‌ها و طرح‌های امن سازی محله‌ها و محیط‌های خاص شهری در مقابل مجرمان حرفه‌ای، ارائه پیشنهادات علمی و سازنده برای اصلاح ساختارهای جرم خیز و تصویب قوانین متناسب به مقامات ذیصلاح، تهیه آمار جرایم اعم از شروع به جرم، جرایم تام، عقیم و محال به تفکیک جرایم علیه اشخاص اموال و امنیت.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در خصوص پیشگیری از جرم نهادهای متعددی می‌توانند با استفاده از آموزش همگانی موثر واقع شوند و نقش پیشگیرانه خود را ایفا کنند از جمله نهادهای متولی امر آموزش می‌توان به نهادهای دولتی اشاره کرد که شامل نهادهای اجرایی، آموزشی، حمایتی و رسانه می‌شود که هر یک به گونه‌ای متولی امر آموزش محسوب می‌شوند. بطور کلی در هر کشوری دولت حاکم می‌تواند از طریق راهکارهای متنوعی به مقابله و پیشگیری از جرم بپردازد، مسلم است که وجود نهادی پیشگیرنده از جرم در هر جامعه‌ای می‌تواند نقش موثری را ایفا کند، در بسیاری از کشورهای جهان که دارای چنین نهادی هستند این نهادها در ارتباط مستقیم با قوه قضائیه یا پلیس امنیت آن کشور قرار دارند. وجود اینگونه نهادها در بعضی از کشورها بدلیل تأثیری که در پیشگیری از جرم داشته‌اند بیش از پیش مورد توجه مردم در جوامع مختلف و همچنین سازمان‌های بین‌المللی و بالاخص سازمان ملل متحد قرار گرفته است





باید توجه داشته باشیم تردیدی وجود ندارد که پلیس نیروی خدمت‌گزار مردم است و این مسئله را پلیس در مقابله با اراذل و اوباش و برخورد با مجرمان خطرناک ثابت کرده و منظور این است که برخورد و تعامل پلیس با مردم در واقع ملاک قضاوت مردم است. مردم باید به این باور برسند که پلیس در عین حال که وظایفش را انجام می‌دهد احترام به مردم را در راس کار خود قرار می‌دهد. ضمناً حضور مستمر و بیش از حد پلیس در جامعه و فضای اجتماعی ممکن است باعث شود مردم تصور کنند جامعه حتماً با مشکلات فراوان امنیتی دست به گریبان است که در پی آن احساس ناامنی خود به خود به سراغ آن‌ها خواهد آمد. بنابراین بهتر است پلیس برای نظارت و تأمین امنیت شهری به صورت نامحسوس در اجتماع ظاهر شود و رفتارش با مردم دقیق و توأم با رفت باشد و در عین حال مراقبت و نظارت بر اجتماع را به صورت نامحسوس انجام بدهد. پلیس باید به جای کارهای جزئی به اقدام‌های پیشگیرانه زیربنایی توجه بیشتری داشته باشد، اگرچه نتایج پیشگیری در طول زمان مشخص می‌شود. بنابراین پلیس باید با برنامه‌ریزی بلندمدت آموزش را ملاک عمل خود بداند و طی برنامه‌ریزی کوتاه مدت اگر اقدامات پلیس توأم با حفظ حریم خصوصی و کرامت انسانی باشد در این صورت اعتماد مدام به پلیس زحمتکش بیشتر جلب خواهد شد که این روند می‌تواند جرائم و انحرافات را تا حد صفر برساند. چون جرم و جنایت ریشه در مردم و جامعه دارد پس پلیس برای مهار و کنترل آن، نیازمند مشارکت عموم مردم است و در راستای انجام مأموریت‌های محوله باید نسبت به مشارکت‌های مردم، فروتن و در مقابل قانون گوش به فرمان باشد. از واژه مشارکت معانی مختلفی از قبیل اشتراک مساعی، سهیم شدن، مسئولیت‌پذیری، تقسیم کار ارائه شده است. با این حال با وجود اختلافاتی که بین برداشت‌ها وجود دارد، جملگی بر کاربرد مفید مشارکت در عرصه توسعه و رفع مشکلات اقتصادی و اجتماعی اتفاق نظر دارند.

رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: پلیس در واقع مظهر اقتدار ملی است که در دولت متجلی است. اگر پلیس بتواند با قدرت روحی اش، با اراده اش، با توانایی علمی اش، با پیگیری اش، با مناعتش بر متخلف غالب آید مردم احساس عزت می‌کنند. نیروی انتظامی علاوه بر اقتدار ظاهری که باید به دور از خشونت و تندخویی باشد باید با برقراری ارتباط صمیمی با مردم، اقتدار معنوی خود را بیش از پیش تقویت نماید (کلانتری، ۱۳۹۲: ۱۴). حل هر مسئله یا معضل اجتماعی در برخی از امور پلیسی مبتنی بر دو اصل کلی است که عبارت‌اند از: کنترل فرصت‌ها و وسایل جرم‌زا، با حذف یا





تقلیل پیش شرط‌های بزهکاری؛ و نظارت بر بزهکار و بزه دیده بالقوه، با کاهش مواجهه بزهکار و بزه دیده بالقوه. بنابراین یکی از راه‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی آموزش همگانی پلیس می‌باشد، پلیس با آموزش مهارت‌های اجتماعی، آموزش رعایت قوانین و ارائه آموزش‌هایی در خصوص شرایط الگویی مناسب توسط خود می‌تواند در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی موفق باشد. با توجه به تغییر رویکرد پلیس از پلیس سنتی به پلیس جامعه محور و تغییر رویکرد پلیس از رویکرد سلبی به رویکرد ایجابی توجه پلیس به مقوله پیشگیری از جرم و کاهش فرصت‌های ارتکاب به جرم بیشتر متمرکز شده است. این امر به نوبه خود، اولاً ارتقای سطح مشارکت مردم را در پی خواهد داشت، ثانیاً نهادینه سازی این روش در پلیس موجب می‌شود این نهاد از موضع خشک، انفعالی و نظاره گر خود در رویکرد سنتی به سمت کنشگری در حل مسائل و همچنین اجرای نقش هدایتگر در هدفمند کردن اقدامات سایر نهادهای عمومی و خصوصی به سمت عوامل و موضوعات مسئله ساز، سوق داده شود. پلیس در مدیریت پیشگیری از جرایم، اقشار مختلف اجتماعی را تشویق می‌کند تا با تمام اطلاعاتی که در این خصوص دارند به کمکش بیایند کاملاً روشن است که سازمان پلیس فقط از طریق بررسی مزایای مشارکت مردمی و کار گروهی و مزایای پیشگیری، مردم را به صحنه پیشگیری از وقوع جرایم کشانده تا به کنترل و کاهش جرایم که اکنون پیش نیاز همه اهداف ملی است، دست یابد. در ارتباط با آموزش همگانی پلیس که یکی از مؤلفه‌های شناسایی شده جلب مشارکت مردم برای پیشگیری از وقوع جرایم می‌باشد، از طرفی پلیس از راه آموزش و ارتباط‌های اجتماعی در نمونه‌های مختلف از جمله پیشگیری از سرقت، اعتیاد، تخلفات راهنمایی و رانندگی، کلاه برداری، مسائل مختلف تربیتی، اخلاقی و اجتماعی، مراقبت از فرزندان و اعضای خانواده و... از همکاری و همیاری مردم استفاده کند. آموزش همگانی رامی‌توان با نظریه گانیه که معتقد است آموزش یک اقدام انسانی است با هدف کمک کردن به افراد برای این که یاد بگیرند، تطبیق داد. با نگرش به نظریه گانیه نتیجه می‌گیریم هر اندازه پلیس در برقراری نظم و امنیت جامعه با ارائه آموزش همگانی و اطلاع رسانی به مردم بتواند موفق عمل نماید، اعتماد و رضایت آحاد مردم را نسبت به عملکرد خود جلب نموده در نتیجه افزایش همکاری و مشارکت مردم را در پیشگیری از وقوع جرایم بدنبال خواهد داشت و هم چنین تعامل پلیس با آموزش و پرورش برای جلب مشارکت دانش آموزان و اولیاء و مربیان آن‌ها نقش بسزایی دارد و هر اندازه این تعامل توسعه و گسترش یابد، از وقوع جرایم پیشگیری می‌شود یعنی وقوع جرایم در جامعه





کاهش می‌یابد. تقاضای عمومی از پلیس این است که برای پیشگیری از وقوع جرائم با مردم و سازمان‌ها ارتباط برقرار کند، در محلات به نظارت بپردازد، از مردم برای گشت زنی کمک بگیرد، برای مردم برنامه‌های آموزشی تدارک ببیند و به آن‌ها گزارش سریع وقوع جرم را گوشزد کند. در واقع مردم می‌توانند با گزارش سریع جرائم و شهادت دادن علیه مجرمان به پلیس بسیار کمک کنند. پلیس جامعه محور باید در مورد نحوه انجام وظایف خود شفاف‌تر عمل کند و پاسخگویی سوالات مردم در این زمینه باشد. در واقع پلیس باید بتواند نشان دهد که مشارکت مردمی، بخشی از یک برنامه استراتژیک بزرگتر و جامع‌تر می‌باشد و بدین طریق تعهد خود را ثابت کند رابطه پلیس با مردم باید غیر رسمی باشد تا اعتماد و همکاری بین آنان شکل گیرد. طرح‌های اطلاع رسانی و آگاه سازی می‌توانند نهادهای نظارتی کیفری را از مقدمات جرایم آگاه کنند و مانع وقوع جرم از همان مرحله اول شکل‌گیری شوند. زیرا مردم آگاه و مطلع می‌توانند به راحتی پیام‌ها و گزارش‌های خود را ارائه کرده و در راستای افشای برخی از جرایم که ممکن است به وقوع بپیوندد، آگاهی دهند. (اسماعیلیان، ۱۳۹۳: ۲۱)

منابع و مأخذ

- اسماعیلیان، مهدی و نوروزی. بهرام، (۱۳۹۳)؛ جلب مشارکت مردم در پیشگیری از جرایم، فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی.
- ایرانشاهی، حمید، (۱۳۸۹)؛ پیشگیری از وقوع جرم و نقش سازمان‌های مسئول در قوانین ایران، انتشارات جاودانه جنگل.
- بابائیان علی، ذبیح الله کرمی و سعید کفراشی، (۱۳۹۱)؛ نقش آموزش همگانی در پیشگیری از جرم، فصلنامه مطالعات پیشگیری از وقوع جرم سال ۷، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۹۱.
- جدی فرد پيله رود، پیمان، (۱۳۹۱)؛ نقش مهم دولت در پیشگیری از جرم، پایگاه تخصصی نشر مقالات حقوقی، حق گستر
- خمسه‌ای، علی محمد، (۱۳۸۲)؛ تأثیر آگاه سازی اجتماعی ناجا بر نگرش دانش آموزان نسبت به پلیس و انحرافات اجتماعی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده فرماندهی و ستاد دانشگاه علوم انتظامی، دانشگاه تهران.
- سیف، علی اکبر، (۱۳۸۶)؛ روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزش). تهران: انتشارات آگاه،
- شاکری، ابوالحسن، (۱۳۸۱)؛ قوه قضاییه و پیشگیری از وقوع جرم، مجموعه مقالات





پیشگیری از وقوع جرم، مازندران.

- فرزین راد، رضا و همکاران، (۱۳۹۱)؛ خاستگاه سیاست جنایی اسلامی در پیشگیری از وقوع جرم و مقایسه با نظام حقوقی غرب، پورتال سازمان قضایی نیروهای مسلح.
- کلاتنری، سعید، (۱۳۹۲)؛ بررسی تأثیر تعاملات اجتماعی پلیس با مردم بر پیشگیری از جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم و فنون انتظامی: دانشگاه تهران
- گانیه، آر.ام و دیگران، (۱۳۸۸)؛ اصول طراحی آموزشی، ترجمه خدیجه علی آبادی، تهران: دانا.
- محمدنسل، غلام رضا (۱۳۸۷)؛ پلیس و سیاست پیشگیری از جرم، تهران: نشر دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- معین، محمد (۱۳۶۰)؛ فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۸)؛ مقاله پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳)؛ پیشگیری عادلانه از جرم، در علوم جنایی، چاپ اول، تهران: سمت.

